

کتاب دانیال - شماره بیست و چہار

نمرود، نبوکدنصر و بلشصر

Jeff Pippenger

2023-12-19

کتاب های دانیال و مکاشفہ یک کتاب اند، همان گونه کہ عہد عتیق و عہد جدید نیز بی تردید یک کتاب اند۔ اندکی پیش از بستہ شدن در فرصت توبہ، مکاشفہ عیسیٰ مسیح گشودہ می شود۔

و مرا گفت: سخنان نبوت این کتاب را مہر مکن، زیرا زمان نزدیک است۔ آن کہ ناعادل است، همچنان ناعادل بماند؛ و آن کہ ناپاک است، همچنان ناپاک بماند؛ و آن کہ عادل است، همچنان عادل بماند؛ و آن کہ مقدس است، همچنان مقدس بماند۔ و اینک، بہ زودی می آیم، و پاداش من با من است تا ہر کس را برحسب اعمالش جزا دہم۔ منم آلفا و امگا، ابتدا و انتہا، اول و آخر۔ مکاشفہ ۱۰:۲۲-۱۳۔

”پہلی بار ذکر ہونے کا بائبل اصول، جس میں یہ حقیقت بھی شامل ہے کہ کسی چیز کا انجام اس کی ابتدا کے ذریعے واضح کیا جاتا ہے، دانی ایل کی کتاب کے پہلے تین ابواب کی اہمیت پر زور دیتا ہے، کیونکہ وہ اس کتاب میں پہلی مذکورہ سچائی ہیں جو دانی ایل اور مکاشفہ کی کتابوں پر مشتمل ہے۔ یسوع الفا اور اومیگا ہے، لہذا اس کتاب کا آغاز، جو دانی ایل اور مکاشفہ کی کتابوں پر مشتمل ہے، لازماً اس سچائی کی نمائندگی کرتا ہے جو آخر میں کھولی جاتی ہے۔ پس ایک سطح پر وہ سچائی جو کھولی جاتی ہے، مکاشفہ چودہ کے فرشتوں کی ابدی خوشخبری ہے۔

مکاشفہ عیسیٰ مسیح کہ در آیہ نخست فصل اول کتاب مکاشفہ معرفی می شود، همان پیامی است کہ باید ہنگامی بہ کلیساہا ابلاغ گردد کہ «وقت نزدیک است»؛ و آن وقتی کہ در فصل اول مکاشفہ «نزدیک است»، باید همان وقتی باشد کہ در فصل بیست و دو مکاشفہ، درست پیش از بستہ شدن زمان آزمایش، «نزدیک است»۔

مکاشفہ یسوع مسیح، جو خدا نے اُسے دیا تاکہ اپنے بندوں پر وہ باتیں ظاہر کرے جن کا جلد واقع ہونا ضروری ہے؛ اور اُس نے اپنے فرشتہ کے وسیلہ سے اپنے بندہ یوحنا پر اسے ظاہر کیا؛ جس نے خدا کے کلام، اور یسوع مسیح کی گواہی، اور اُن سب باتوں کی شہادت دی جو اُس نے دیکھیں۔ مبارک ہے وہ جو پڑھتا ہے، اور وہ جو اس نبوت کے کلام کو سنتے ہیں، اور اُن باتوں پر عمل کرتے ہیں جو اُس میں لکھی ہیں؛ کیونکہ وقت نزدیک ہے۔ مکاشفہ 1:3-1۔

وہ پیغام جو آخری پیغام ہے، جو آزمائش کی مہلت بند ہونے سے ذرا پہلے مہر کھولا جاتا ہے، جب ”وقت نزدیک ہے“، وہ دوسرے فرشتے اور نصف شب کی للکار کی مؤخر بارش کا پیغام ہے۔ یہ وہ سچائی ہے جو سات گرجوں کی ”پوشیدہ تاریخ“ سے وابستہ ہے۔ یہ ”سات میں سے آٹھویں“ کے ظہور کا انکشاف ہے، اور وہ سنہری دھاگا جو ان تمام قیمتی انکشافات کو مسیح کی راستبازی کے خوبصورت لباس میں باہم بنتا ہے، احبار کی کتاب چھبیس کے ”قیمتی“ ”سات اوقات“ ہیں۔ دانی ایل باب ایک، اور پھر دوبارہ، دانی ایل ابواب ایک سے تین تک، وہی پیغام ہیں۔ باب دو کا ”بہید“ بھی وہی پیغام ہے۔

باب یک دانیال نمایانگر پیام فرشتہ اول است، و همان گونه کہ ہمہ نشانہ های راہ نبوی ہر سہ پیام سہ فرشتہ در پیام فرشتہ اول مکاشفہ باب چہارہ نمایانہ شدہ اند، ہمہ نشانہ های راہ نبوی ہر سہ پیام نیز در باب یک دانیال نمایانہ شدہ اند۔ اُن عناصر عبارت اند از فرایند آزمون سہ مرحلہ ای کہ در دانیال باب یک، نمودار آزمونی غذایی است، و پس از آن آزمونی بصری می آید کہ بہ آزمونی تعیین کنندہ می انجامد۔ باب یک، ہنگامی کہ در ارتباط با باب های دو و سہ در نظر گرفتہ شود، نمودار

آزمون غذایی است، و باب دو آزمون بصری را نمایان می‌سازد، و باب سه آزمون تعیین‌کننده را. پیام‌های سه فرشته مکاشفه چهارده، و دانیال باب‌های یک تا سه، چهار شاهد برای فرایند آزمون سه مرحله‌ای فراهم می‌آورند.

باب‌های چهار و پنج دانیال نمایانگر خطی بسیار عمیق از تاریخ نبوی هستند. خطی که از این دو باب پدید می‌آید، دست‌کم شامل شش خط متمایز نبوی است. یکی از آن خطوط نبوی، در سال 723 پیش از میلاد آغاز می‌شود و تا قانون یکشنبه ادامه می‌یابد. یکی دیگر از آن شش خط، تاریخ 1798 را تا قانون یکشنبه بازنمایی می‌کند، و در آن خط، سه خط نبوت به‌طور هم‌زمان به تصویر کشیده شده‌اند: خط حیوان زمین (ایالات متحده)، سپس خط شاخ پروتستان، و نیز خط شاخ جمهوری‌خواه. این‌ها با هم، در آغاز خط نبوی ایالات متحده، خط پنجمی را برقرار می‌سازند. آن خط، گشوده‌شدن مهر باب‌های هفت، هشت و نه دانیال را در سال 1798 نشان می‌دهد. در پایان خط نبوی ایالات متحده، خط ششمی پدید می‌آید که گشوده‌شدن مهر باب‌های ده، یازده و دوازده را در سال 1989 نشان می‌دهد.

آغاز خط نبوی وحش زمین، چنان‌که در فصل چهارم دانیال به تصویر کشیده شده است، با نماد «هفت زمان» مشخص می‌گردد؛ و پایان خط نبوی وحش زمین نیز با نماد «هفت زمان» مشخص می‌شود. آغاز و پایان دوره تاریخی‌ای که با گشوده‌شدن فصل‌های هفت، هشت و نه نمایان می‌گردد نیز با نماد «هفت زمان» مشخص شده است. آغاز و پایان دوره تاریخی‌ای که با گشوده‌شدن فصل‌های ده، یازده و دوازده دانیال نمایان می‌گردد نیز با «هفت زمان» مشخص شده است.

د تاریخی دوری پای، چپ هغه مهال پیل شوی و کله چپ د «پای زمانې» په ۱۷۹۸ کال کې د دانیال اووم، اتم او نهم فصلونه مهرماتې شول، ۱۸۶۳ کال و. د تاریخ د هغه دورې پیل، چپ هغه مهال پیل شو کله چې د «پای زمانې» په ۱۹۸۹ کال کې د دانیال لسم، یوولسم او دولسم فصلونه مهرماتې شول، ۱۹۸۹ و. له ۱۸۶۳ څخه تر ۱۹۸۹ پورې موده یو سل او شپږ ویشته کاله کېږي. یو سل او شپږ ویشته کاله د یو زرو او دوه سوه او شپېتو کلونو لسمه برخه، یا لسیزه، ده. له همدې امله، د یو سل او شپږ ویشته شمېر د هغو یو زرو او دوه سوه او شپېتو کلونو نښه ده، چې د «دین‌تې» استازولي کوي، او «دین‌ته» په خپل وار د «اوو زمانو» د دوه زرو او پنځه سوه او شلو کلونو نښه ده.

این واقعیت نشان می‌دهد که در تاریخ وحش زمین، هم نهضت فرشته اول در آغاز، و سپس نهضت فرشته سوم در پایان، هر دو در آغازها و پایان‌های خود با «هفت زمان» مشخص شده‌اند. و دوره زمانی میان آن دو نهضت که آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد نیز به واسطه «هفت زمان» بازنمایی شده است.

بدون به‌کارگیری روش‌شناسی کتاب مقدسی «حکم بر حکم»، دیدن و فهمیدن این‌گونه مکاشفه ناممکن است؛ زیرا بدون آن روش‌شناسی، کتاب مهرشده می‌تواند به کسی سپرده شود که در فن الهیات تعلیم یافته است، و سپس از او خواسته شود که توضیح دهد مقصود آن کتاب مهرشده چیست. غرور برخاسته از رای و وی را بر آن می‌دارد که خاطرنشان سازد کتاب مهرشده را نمی‌توان فهمید، زیرا مهر شده است. آنگاه می‌توان آن کتاب مهرشده را گرفت و به یکی از افراد گله‌ای داد که زیر سلطه و اخته‌شدگی همان فرد روشن‌ضمیر قرار دارد، و آن گله که به خوان افسانه‌پردازی‌های الهی‌دان خو گرفته است، از به‌کار بستن آن کتاب مهرشده سر باز خواهد زد، زیرا به‌خوبی می‌داند که تنها کسانی که اعضای سنهدرین الهیاتی‌اند برای تعیین این‌که حقیقت چیست منصوب شده‌اند.

«درنگ کنید و متحیر شوید؛ فریاد برآورید و ناله کنید؛ ایشان مست‌اند، اما نه از شراب؛ تلوتلو می‌خورند، اما نه از مسکرات. زیرا خداوند روح خواب عمیق را بر شما ریخته، و چشمان شما را بسته است؛ انبیا و رؤسای شما، یعنی بینایان را، پوشانیده است. و تمامی این رؤیا برای شما همچون سخنان کتابی مهرشده شده است که آن را به شخصی عالم می‌دهند و می‌گویند:

«خواهش می‌کنم این را بخوان»؛ و او می‌گوید: «نمی‌توانم، زیرا مهر شده است.»»

«پس خداوند می‌فرماید: چون این قوم با دهان خویش به من نزدیک می‌شوند و با لب‌های خود مرا تکریم می‌کنند، اما دل‌های خویش را از من دور ساخته‌اند، و ترس ایشان از من تعلیمی است که از حکم آدمیان آموخته‌اند؛ بنابراین، اینک من بار دیگر کاری شگفت‌انگیز و اعجاب‌آور در میان این قوم خواهم کرد؛ و حکمت حکیمان ایشان نابود خواهد شد، و فهم فهیمان ایشان پنهان خواهد گردید. وای بر آنان که مشورت خویش را در ژرفا از خداوند پنهان می‌دارند، و اعمالشان در تاریکی است، و می‌گویند: چه کسی ما را می‌بیند، و چه کسی ما را می‌شناسد؟ یقیناً وارونه ساختن امور از جانب شما چون گل کوزه‌گر به شمار خواهد آمد؛ زیرا آیا مصنوع درباره‌ی صانع خود خواهد گفت: او مرا نساخته است؟ یا آیا چیزی که ساخته شده است درباره‌ی سازنده خود خواهد گفت: او فهمی نداشت؟»

«هر کلمه‌ی این، تحقق خواهد یافت. کسانی هستند که دل‌های خود را در حضور خدا فروتن نمی‌سازند و به راستی سلوک نخواهند کرد. مقاصد حقیقی خود را پنهان می‌دارند و با آن فرشته‌ی ساقط، که دروغ را دوست می‌دارد و آن را پدید می‌آورد، در مشارکت باقی می‌مانند. دشمن، روح خود را بر مردانی می‌نهد که بتواند از ایشان برای فریب دادن آنان که تا اندازه‌ای در تاریکی‌اند، استفاده کند. بعضی در حال آمیخته شدن با ظلمتی هستند که حکم‌فرماست و حقیقت را به سود خطا کنار می‌نهند. روزی که نبوت به آن اشاره کرده بود، فرارسیده است. عیسی مسیح شناخته نشده است. عیسی مسیح برای ایشان افسانه‌ای بیش نیست. در این مرحله از تاریخ زمین، بسیاری چون مردان مست رفتار می‌کنند. «درنگ کنید و متحیر شوید؛ فریاد برآورید و نعره زنید؛ ایشان مست‌اند، اما نه از شراب؛ تلوتلو می‌خورند، اما نه از مسکر. زیرا خداوند روح خواب عمیق را بر شما ریخته، و چشمان شما را بسته است. انبیا و رؤسای شما، یعنی رائيان را، او پوشانیده است.» مستی‌ای روحانی بر بسیاری مستولی است که گمان می‌برند همان قومی هستند که باید سرافراز گردند. ایمان دینی ایشان دقیقاً همان‌گونه است که در این آیه کتاب مقدس تصویر شده است. تحت تأثیر آن، نمی‌توانند راست گام بردارند. در سیر اعمال خود راه‌های کج می‌سازند. یکی پس از دیگری، به این سو و آن سو متمایل می‌شوند. خداوند با دلسوزی عظیم بر ایشان می‌نگرد. راه حقیقت را نشناخته‌اند. آنان نیرنگ‌بازان علم‌پیشه‌اند، و کسانی که می‌توانستند و می‌بایست به سبب بینایی روشن روحانی یاری رسانند، خود فریب خورده‌اند و از کاری شیرانه حمایت می‌کنند.»

«تحوالت این ایام آخر به‌زودی به‌گونه‌ای قاطع آشکار خواهد شد. هنگامی که این فریب‌های روح‌باورانه آن‌گونه که واقعاً هستند آشکار گردند—یعنی کارکردهای پنهانی ارواح شریر—آنان که در آنها نقشی ایفا کرده‌اند، همچون مردمانی خواهند شد که عقل خویش را از دست داده‌اند.»

«از این‌رو خداوند می‌فرماید: چون این قوم با دهان خود به من نزدیک می‌شوند و با لب‌های خویش مرا حرمت می‌نهند، اما دل‌های خود را از من دور ساخته‌اند، و ترس ایشان از من تعلیمی است که از حکم انسان آموخته‌اند؛ بنابراین، اینک من بار دیگر در میان این قوم کاری شگفت‌انگیز به‌عمل خواهم آورد، آری، کاری شگرف و عجیب؛ زیرا حکمت حکیمان ایشان نابود خواهد شد، و فهم فهیمان‌شان پنهان خواهد گردید. وای بر آنان که مشورت خویش را در ژرفا از خداوند پنهان می‌دارند، و اعمالشان در تاریکی است، و می‌گویند: چه کسی ما را می‌بیند، و چه کسی ما را می‌شناسد؟ یقیناً وارونه ساختن امور از سوی شما همچون گل کوزه‌گر به‌شمار خواهد آمد؛ زیرا آیا ساخته درباره‌ی سازنده خود خواهد گفت: او مرا نساخته است؟ یا آیا آنچه صورت یافته درباره‌ی صورت‌دهنده خود خواهد گفت: او فهمی نداشت؟»

«بر من آشکار شده است که در تجربه‌ی ما، با همین وضعیت امور روبه‌رو بوده‌ایم و هستیم. مردانی که از نور عظیم و امتیازات شگفت‌انگیز برخوردار بوده‌اند، سخن رهبرانی را پذیرفته‌اند که

خود را حکیم می‌پندارند؛ کسانی که از سوی خداوند بسیار مورد لطف و برکت واقع شده‌اند، اما خویشتن را از دستان خدا بیرون کشیده و در صفوف دشمن جای گرفته‌اند. جهان باید از مغالطات فریبده لبریز شود. ذهنی انسانی که این مغالطات را بپذیرد، بر دیگر اذهان انسانی اثر خواهد گذاشت؛ اذهانی که شواهد گران‌بهای حقیقت خدا را به دروغ مبدل ساخته‌اند. این مردان به وسیله فرشتگان سقوط کرده فریب خواهند خورد، حال آنکه می‌بایست چون پاسبانانی امین استوار می‌ماندند و برای جان‌ها بیدار می‌بودند، همچون کسانی که باید حساب پس دهند. آنان سلاح‌های پیکار خود را بر زمین نهاده‌اند و به ارواح اغواگر گوش فرا داده‌اند. ایشان مشورت خدا را بی‌اثر می‌سازند و هشدارها و توبیخ‌های او را کنار می‌نهند، و به راستی در جانب شیطان ایستاده‌اند و به ارواح اغواگر و تعالیم دیوها گوش می‌سپارند.»

«مستی روحانی اکنون بر مردمانی عارض شده است که شایسته نیست همچون کسانی که تحت تأثیر شراب شدیدند، تلوتلو بخورند. جنایت‌ها و بی‌نظمی‌ها، تقلب، فریب، و معامله ناعادلانه جهان را پر کرده است، مطابق با تعلیم آن پیشوایی که در صحن‌های آسمانی سر به شورش برداشت.»

«تاریخ تکرار خواهد شد. می‌توانستم مشخص سازم که در آینده نزدیک چه خواهد بود، اما هنوز زمان آن نرسیده است. اشکال مردگان، به واسطه حیلۀ مکارانه شیطان، ظاهر خواهند شد، و بسیاری با آن کسی پیوند خواهند یافت که دروغ را دوست می‌دارد و به عمل می‌آورد. قوم خود را هشدار می‌دهم که درست در میان خود ما، برخی از ایمان روی‌گردان خواهند شد و به ارواح گمراه‌کننده و تعالیم دیوها گوش خواهند سپرد، و به سبب ایشان، بر حقیقت بد گفته خواهد شد.» Battle Creek Letters, 123–125

باب اول دانیال، که نمایانگر پیام فرشته اول مکاشفۀ چهارده است، با تاریخ آغازین وحش زمین مطابقت دارد. ابواب اول، دوم و سوم دانیال، که نمایانگر پیام‌های هر سه فرشته در مکاشفۀ چهارده هستند، با پایان ایالات متحده هم‌راستا هستند. نبوکدنصر نمایانگر تاریخ فرشته اول و باب اول دانیال است. بلشصر نمایانگر تاریخ فرشته سوم و سه باب نخست دانیال است.

«بر آخرین فرمانروای بابل، همان‌گونه که به‌طور نمونه‌وار بر نخستین آن، حکم ناظر الهی فرود آمده بود: "ای پادشاه، ... به تو گفته می‌شود که سلطنت از تو برچیده شده است." دانیال ۴:۳۱» انبیا و پادشاهان، ۵۳۳.

مور به په راتلونکې مقاله کې د نبوکدنصر او بېلشضر په اړه خپل مطالعه ته دوام ورکړو.

«بلشاصر که از این نمود قدرت خدا به شگفت آمده بود—که نشان می‌داد آنان، هرچند خود نمی‌دانستند، شاهی داشته‌اند—فرصت‌های بزرگی برای شناختن اعمال خدای زنده و قدرت او و برای به‌جا آوردن اراده او در اختیار داشت. او از نور بسیار برخوردار شده بود. پدر بزرگش، نبوکدنصر، درباره خطر فراموش کردن خدا و تمجید خویشتن هشدار یافته بود. بلشاصر از تبعید او از جامعه آدمیان و همنشینی‌اش با حیوانات صحرا آگاهی داشت؛ و این حقایق، که می‌بایست برای او درسی می‌بود، چنان نادیده گرفته شد که گویی هرگز رخ نداده بود؛ و او به تکرار گناهان پدر بزرگش ادامه داد. او جرأت کرد همان جنایت‌هایی را مرتکب شود که داوری‌های خدا را بر نبوکدنصر فرود آورد. محکوم شد، نه فقط از آن رو که خود شرارت می‌ورزید، بلکه از آن رو نیز که از فرصت‌ها و توانایی‌هایی که، اگر پرورش می‌یافت، می‌توانست او را بر طریق راستی بدارد، بهره‌ای نگرفت.» Testimonies to Ministers, 436